

ای یاران عزیز عبدالبهاء چندیست که از بعضی بلاد یک آهنگ...

حضرت عبدالبهاء

Original English



۱۸۸

ای یاران عزیز عبدالبهاء چندیست که از بعضی بلاد یک آهنگ دلربا بگوش جان نرسیده و جان و وجدان سرور و حبور نیافته با وجود آنکه در جمیع اوقات کلّ در خاطرند و در پیش نظر فی الحقیقه حاضر زیر ساغر دل از صهبای محبت یاران سرشار است و تعلق و آرزوی دیدارشان مانند روح ساری و جاری در عروق و شریان با این حالت دیگر معلومست که قلب چه قدر محزون و مغمومست در این طوفان بلا که موجش باوج اعلی رسیده و تیر جفا از جهات سته پی در پی آمده در هر دم در بقعه مبارک که خبر موحشی و در هر روز آثار مدهشی مرکز نقض چنان فرض مینمود که بجز استکار بنیاد عهد و میثاق ناپایدار گردد و ابرار از وصایای الهی بری و بیزار گردند این بود که اوراق شبّهات بجمیع جهات منتشر نمود و بدسائس خفیه پرداخت دمی فریاد بر آورد که بنیان الهیبر افتاد و شریعت الله منسوخ گشت بناء علیه عهد و پیمان مفسوخ شد و گهی ناله و فغان آغاز کرد که ما اسیر و گرفتاریم و گرسنه و تشنه در لیل و نهار روزی ولوله و عربده ئی انداخت که وحدانیت الهیه محو شد و ظهوری پیش از الف سنه بروز نموده.

چون این مفتریات را ترویج ندید بتدریج فکر فساد افتاد و فتنه برانگیخت و بهر دامنی درآویخت بنای سعایت در نزد حکومت گذاشت و با بعضی از بیگانگان آشنا شد و همدم و همراز گشت بالاتفاق لائحه ئی ترتیب دادند و تقدیم مرکز سلطنت کردند و اولیای امور را بتشویش انداختند از جمله مفتریات اینکه این مظلوم علم استقلال بر افراخت و بر علم یا بهاء الابهی بنگاشت و در جمیع این مدن و دیار و قری حتی در میان قبائل صحرا بگرداند و جمیع را دعوت باجتماع در زیر علم نمود.



ORIGINAL



AUDIO

رَبِّ اِنِّى اَعُوذُ بِكَ مِنْ هَذَا الْعَمَلِ الْمَخَالِفِ لَوْصَايَا الْبِهَاءِ بَلْ هُوَ ظَلَمٌ عَظِيمٌ لَا يَرْتَكِبُهُ اِلَّا كُلُّ مُعْتَدِ اِثْمٍ لَا تُكْفَرُ عَنْهُ
فَرَضْتُ عَلَيْنَا اطَاعَةَ الْمُلُوكِ وَالسَّلَاطِينِ.

و از جمله مفتریات مقام کرم را قلعه ئی قرار داد و در نهایت متانت و رصانت بساخت و آنجا را مدینه منوره قرار نهاد و تربت مقدسه را مکه مکرمه نمود و حال آنکه آن عمارت عبارت از شش اطاق است و از جمله مفتریات تأسیس سلطنت جدید کرده و جمیع یاران را معاذ الله معاذ الله بچنین خطای عظیمی دعوت نموده سبحانک هذا بهتان عظیم.

و از جمله چون تربت مقدسه مطاف عالمیان گشته ضرر عظیم بدولت و ملت دارد و مرکز نقض از جمیع این امور بیزار بلکه سنی سنوی بکری و عمریست اما جمال مبارک را همین قدر از صلحای امت میدانند و اهل طریقت میشمرد و جمیع این امور را این مظلوم تأسیس نموده.

باری هیئت تفتیشیه از مرکز سلطنت عظمی دامت شوکتها تعیین شدند و باین ارض آمدند رأسا در خانه یکی از مدعیان وارد جمعی که در تنظیم لائحه شریک و سهیم اخوی بودند آنانرا احضار و از حقیقت لائحه استفسار نمودند مضامین لائحه را تشریح کردند و تفصیل دادند و تصدیق نمودند و علاوه افزودند و کل مدعی و هم شاهد و هم قاضی بودند.

حال آن هیئت بمرکز خلافت راجع و هر روز خبر موحشی و مدهشی میرسد اما عبدالبهاء الحمد لله در نهایت سکون و قرار و وقار و از این افترا و بهتان حتی اغبرار حاصل نموده بلکه امور را موکول بقدر مقدور نموده و در کمال فرح و سرور بجانفشانی حاضر و از بهر بلائی منتظر الحمد لله یاران مهربان الهی نیز در مقام تسلیم و رضا قائم کل خوشنود و ممنون و مسرور و راضی.

ولی مرکز نقض چنین فرض نموده که بعد از ریختن خون اینمظلوم و یا انداختن بصحرای کبیر و هامون و یا القای در دریای روم چون گنم و بی اثر و مقطوع انخبیر گردد او میدانی خواهد یافت و جولانی خواهد کرد و بچوگان شبهات و ترهات گوی آمال و آرزوئی خواهد ربود.

هیبت هیبت اگر مشک وفا را بقا نماند کسی برائحه دفراء جفا رغبت ننماید و اگر غزال الهی را کلاب و ذئاب بدرد هیچکس از پی گرگ خونخوار ندود و اگر بلبل معانیرا ایام بسر آید کسی گوش بنعیق غراب و نعیب کلاغ ندهد این چه تصور باطل است و این چه تهتک جاهل اعمالهم کسر اب بقیعة یحسبه الظمان ماء حتی اذا جائه لم یجده شیئا.

باری ای یاران الهی قدم و قلب مستقیم و ثابت دارید و بقوه تأیید جمال مبارک عزمی کامل نمائید و بخدمت امر الله پردازید و در مقابل امم و ملل ثبوت و رسوخ و استقامت اهل بها بنمائید تا دیگران حیران گردند که این قلوب چگونه منابع اطمینان و معادن محبت حضرت رحمان تا از حوادث مؤلمه ارض مقدس فتوری نیارید و از وقایع فاجعه مملی حاصل نکنید اگر جمیع یاران معرض شمشیر گردند و یکی باقی آن منادی الهی شود و مبشر رحمانی گردد و در مقابل من علی الارض قیام کند.

باری شما نظر بحوادث بقعه نورآء نمائید ارض مقدس دائماً در خطر است و سیل بلا از هر طرف زیرا صیت جهانگیر گشته و آوازه شهره آفاق شده و اعدا چه بیگانه و چه آشنا در نهایت تزویر و حيله و خدعه بر افترا قیام نموده معلومست که چنین موقعی در خطر است زیرا در مقابل هر بهتان مدافعی موجود نه بلکه نفوس آواره و مظلوم در قلعه ئی مسجون و لیس لهم معین و نصیر و حرس من سهام الأقتراء و سنان البهتان الا الله.

شما باید تفکر در این نمائید که چه قدر یاران عزیز بقربانگاه الهی شتافتند و چه نفوس مبارکی جان فدا نمودند و چه خونهای مقدسی ریخته شد و چه دلهای پاکی بخون آمیخته گشت چه قدر سینه‌ها هدف تیر جفا گردید و چه بسیار اجسام مطهره که شرحه شرحه شد آیا ما را سزاوار چگونه است که در فکر جان خویش باشیم و به بیگانه و خویش مداهنه و مدارا کنیم و یا آنکه ما نیز پی ابرار گیریم و بر قدم آن بزرگواران رفتار کنیم.

ایام معدود معدوم گردد و هستی موجود مفقود شود گلشن زندگانیرا طراوت و لطافت نماند و گلزار کامرانیرا صفا و شادمانی بگذرد بهار حیات مبدل بخزان ممات گردد و سرور و حبور قصور تبدیل بظلام دیچور در قبور گردد در اینصورت دلبستگی را نشاید و شخص دانا تعلق قلب ننماید.

انسان دانا و توانا حشمت آسمانی طلبد و عزت رحمانی جوید و حیات جاودانی خواهد و قریبت درگاه یزدانی طلبد زیرا بجمخانه جهان فانی صفرای انسان الهی نشکند و دمی نیاساید و خود را بتعلق دنیا نیالاید.

بلکه یاران نجوم اوج هدایتند و کواکب افق عنایت و بکمال قوت آفت ظلمتند و هادم اساس بغض و عداوت جهان و جهانیانرا صلح و صلاح خواهند و بنیاد جنگ و جدال براندازند راستی و درستی و آشتی جویند و دلجوئی حتی از هر دشمن بدخوئی نمایند تا این زندان جفا را ایوان بلند وفا کنند و این سبب بغض و کین را مبدل ببهشت برین فرمایند.

باری ای یاران بجان و دل بکوشید که اینجهان آئینه جهان ملکوت شود و عالم ناسوت مملو از فیض لاهوت گردد تا ندای ملاء اعلی بتحسین بلند گردد و آثار فضل و موهبت جمال ابهی احاطه بر روی زمین نماید.

جناب امین نہایت ستایش از عباد مکرمین و اماء نور مبین نمودند و از هر یک فرداً فرداً تحسین کردند و بسیار از ثبوت و استقامت کلّ تعریف نمودند کہ الحمد لله احباً و اماء رحمان در جمیع ایران بکمال تمکین چون بنیان رزین و رصین ثابت و مستقیم و در نہایت ولہ و انجذاب مشغول بنشر نفعات ربّ الأربابند.

و از این خبر در این زمان پر خطر نہایت سرور حاصل گردید زیرا منتهی آمال و آرزوی اینمظلوم روحانیت قلوب و نورانیت وجود یارانست چون این موهبت حاصل ہر بلائی از برای من فیض و اہل و غیث ہاطل است.

الہی الہی ترانی خائضاً فی غمار البلاء و قابضاً علی نار الجفاء و فائض الدّموع فی اللیالی الظلماء اتقلّب فی مہاد السّہاد و عینای منتظران لطلوع انوار الوفاء و کلّما اضطرب اضطراب الحوت الملتہب الأحشاء علی الغبراء اترصد ظهور مواہبک من کلّ الأرجاء.

ربّ ربّ ادرك الأحباء فی سائر الأنحاء بموہبتک الکبری و اغث کلّ ذی لہف من الأصفیاء بعونک و عنایتک فی کلّ عدوۃ قصوی ربّ انہم اسراء حبّک و سبایا جندک و طیور ہواء ہدایتک و حیطان بحر عنایتک و نجوم افق موہبتک و جیوش حصن شریعتک و اعلام ذکرک و اعین رحمتک و ینایع فضلک و منابع جودک.

فاحفظہم بعین رعایتک و ایدہم علی اعلاء کلمتک و ثبت قلوبہم علی حبّک و قوّ ظہورہم علی خدمتک و اشدد ازورہم علی عبودیتک.

و انشرہم نفعاتک و اشرح بہم آیاتک و اظہرہم بیناتک و تمّم بہم کلماتک و اسبغ بہم رحمتک.

انک انت القویّ القدیر و انک انت الرحمن الرحیم *